



An Analysis of the Causes and Goals of the UAE in Normalizing Relations with the Zionist Regime and Its Consequences on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Amirreza Moqoumi ¹ | Mehdi Javedani Moghadam ²

Abstract

The Middle East is one of the most important international regions that has undergone profound and wide-ranging changes in recent years, especially after the Arab uprisings (2011), the UAE, despite its extensive relations with the Zionist regime over the years, as the third Arab country, officially declared its relations with the Zionist regime in September 2020, leaving behind a domino of normalization of relations between the Arabs and the Zionist regime. Moved from 26 years. In this framework, this article seeks to answer the main question, what are the most important influencing variables in making public relations between the United Arab Emirates and the Zionist regime, and what effect does this issue have on the national security of the Islamic Republic of Iran? The findings of this article, emphasizing the balance of threats, show that balancing against the axis of resistance (and especially Brotherhood groups), thinking about the post-American Middle East and fearing Washington's policies, attracting American support and using Zionist lobbies, as well as benefiting from the benefits The technology of the Zionist regime is considered the main and influential variables in making public relations between the United Arab Emirates and the Zionist regime. Such an event has created a new geopolitical atmosphere for the Islamic Republic of Iran, which in the future can have an impact on the national power and regional influence of the resistance axis led by Iran.

Keywords: United Arab Emirates, the Zionist regime, Abraham's agreement, Threat balance, Islamic Republic of Iran

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.7.4

1. Corresponding Author, Ph.D. Candidate Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.



واکاوی علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

امیررضا مقومی^۱ | جاودانی مقدم، مهدی^۲

چکیده

منطقه غرب آسیا یکی از مهمترین مناطق بین‌المللی است که در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از بیداری اسلامی (۲۰۱۱) با تحولات عمیق و گسترده‌ای مواجه شد. این مسئله، نه تنها سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها را متحول ساخت بلکه با بازتعریف ائتلاف‌ها و اتحادهای جدید، زمینه تغییر نظم موجود و شکل‌گیری واقعیت‌های نوین استراتژیکی را در منطقه به‌وجود آورد. در این میان، امارات متحده عربی، علی‌رغم روابط گسترده‌ای که از سالیان گذشته با رژیم صهیونیستی داشت، به‌عنوان سومین کشور عربی، به‌طور رسمی در سپتامبر ۲۰۲۰ روابط خود را با این رژیم علنی ساخت و دومینویی از عادی‌سازی روابط میان اعراب با رژیم صهیونیستی را پس از ۲۶ سال به حرکت درآورد. در این چارچوب، این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در علنی‌سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی کدامند و این مسئله، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یافته‌های این مقاله با تأکید بر موازنه تهدید، نشان می‌دهد که موازنه‌سازی در برابر محور مقاومت (و به ویژه گروه‌های اخوانی)، اندیشیدن به خاورمیانه پساآمریکا و هراس از سیاست‌های واشنگتن، جلب حمایت آمریکا و استفاده از لابی‌های صهیونیستی و همچنین بهره‌مندی از مزایای فناورانه رژیم صهیونیستی، متغیرهای اصلی و تأثیرگذار در علنی‌سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. چنین رخدادی، برای جمهوری اسلامی ایران فضای ژئوپولیتیکی جدیدی را ایجاد نموده است که در آینده می‌تواند در قدرت ملی و نفوذ منطقه‌ای محور مقاومت به رهبری ایران تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: امارات متحده عربی؛ رژیم صهیونیستی؛ توافق ابراهیم؛ موازنه تهدید؛ جمهوری اسلامی ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.7.4

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران Amirmg1997@gmail.com

۲. استادیار روابط بین الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

مقدمه

با تأسیس رژیم صهیونیستی، بحران‌های منطقه‌ای غرب آسیا به اوج خود رسید و مناقشه عربی- صهیونیستی به قلب مناقشات این منطقه بدل شد. در این میان کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا در قبال مناقشه فلسطینی- صهیونیستی و همچنین ارتباط با رژیم صهیونیستی، موضع یکسانی اتخاذ نکردند؛ به گونه‌ای که به طور کلی در یک نگاه تاریخی، مواضع بسیاری از کشورهای عربی در قبال رژیم صهیونیستی را می‌توان از زمان تأسیس دولت جعلی یهود، به چهار دوره زمانی تقسیم نمود:

۱- مقابله نظامی با رژیم صهیونیستی و حمایت کامل از آرمان فلسطین و آزادسازی آن (از

۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸)

۲- پذیرش رژیم صهیونیستی به عنوان واقعیتی در منطقه و آغاز ارتباط اعراب با رژیم

صهیونیستی، در کنار حمایت از تشکیل کشور کوچک فلسطینی (از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۱)

۳- همگرایی بیش از پیش اعراب و رژیم صهیونیستی و ایجاد روابط غیررسمی (دوفاکتو) با

تل آویو (از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)

۴- شکل‌گیری دومینویی از علنی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی و شناسایی این رژیم

به صورت رسمی (دوژور) (از ۲۰۲۰ تا کنون (۲۰۲۲).

در این میان امارات متحده عربی سومین کشور عربی بود که پس از مصر (۱۹۷۹) و اردن

(۱۹۹۴) به طور رسمی در سپتامبر ۲۰۲۰ روابط خود را با رژیم صهیونیستی علنی ساخت و

دومینویی از عادی‌سازی روابط میان اعراب با رژیم صهیونیستی را پس از ۲۶ سال به حرکت

درآورد. دومینویی که پس از امارات، به بحرین، سودان و مراکش رسید و به نظر می‌رسد که در

آینده نزدیک، دیگر کشورهای عربی همچون عمان، عربستان، موریتانی و ... را نیز فرا بگیرد. این

رویداد را که فریدمن، ستون‌نویس سرشناس نیویورک تایمز، از آن به «زلزله ژئوپلیتیکی در

خاورمیانه» یاد کرد (ال. فریدمن، ۲۰۲۰)، نشانگر تغییرات ژئوپلیتیکی عمیق در منطقه استراتژیک

و آنارشیک غرب آسیا است.

امارات که پیش از سپتامبر ۲۰۲۰ نیز روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با رژیم صهیونیستی

آغاز کرده بود، با روی کار آمدن ترامپ و تغییرات عدیده منطقه‌ای، به سمت علنی‌سازی روابط

خود با این رژیم حرکت کرد. رشد چین و استراتژی ترامپ در تقویت سیاست چرخش به آسیا و تمرکز بر این منطقه و همچنین خودکفایی آمریکا در تولید نفت در پی انقلاب نفت شیل و در نتیجه آن کاهش نسبی اهمیت استراتژیک غرب آسیا برای واشنگتن و همچنین پرهزینه بودن حضور فیزیکی ایالات متحده در این منطقه و در پیش گرفتن سیاست برون‌سپاری^۱ و انتقال وظایف خود به کشورهای هم‌راستای منطقه‌ای، سرعت نزدیکی روابط ابوظبی و تل‌آویو را افزایش داد.

از سوی دیگر تحولات عدیده منطقه‌ای که در نتیجه بیداری اسلامی تسریع شد و نظم موجود و واقعیت‌های استراتژیک منطقه را تغییر داد و همچنین شرایط امنیتی نوینی برای کشورهای غرب آسیا ایجاد نمود، سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها و به‌ویژه امارات متحده عربی را متحول ساخت. یکی از این تحولات را می‌توان پیروزی جبهه مقاومت به رهبری ایران در بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای از جمله، سوریه، عراق، یمن و لبنان دانست که حاصل این‌ها افزایش ضریب نفوذ جمهوری اسلامی ایران با رویکرد انقلاب اسلامی بود. افزون بر این موارد پس از اعتراضات کشورهای عربی پس از بیداری اسلامی، جبهه جدید اخوانی به رهبری ترکیه را نیز در منطقه مطرح کرد که در بیشتر موارد، همچون سوریه و لیبی، رو در روی امارات قرار داشت. بنابراین این تحولات منطقه‌ای و به‌ویژه گسترش نفوذ محور مقاومت و در دوره‌ای گروه‌های اخوانی، زمینه‌های توسعه روابط کشورهای عربی منطقه و به‌ویژه امارات را با رژیم صهیونیستی فراهم کرد تا از طریق آن، بتواند بر قدرت و ضریب امنیتی خود بیفزاید.

در این میان عوامل داخلی امارات متحده عربی نیز نقش مهمی در تسهیل روند عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم صهیونیستی داشت. امارات برخلاف برخی کشورهای عربی همچون، عراق، سوریه، سودان، لبنان و ... در هیچ جنگی علیه رژیم صهیونیستی شرکت نکرده بود و برخلاف دیدگاه تاریخی جهان عرب نسبت به رژیم صهیونیستی، امارات، این رژیم را دشمن و تهدیدی برای امنیت خود تلقی نمی‌کرد (رحمان^۲، ۲۰۲۱). افزون بر این، شرایط جمعیتی امارات موقعیت مناسبی برای ابوظبی پیش آورده که بدون ترس از عواقب داخلی، به سمت علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و بسط روابطش با این رژیم، حرکت کند. این کشور حدود ۹ میلیون نفر جمعیت دارد که از این تعداد حدود ۸۹٪ آن غیربومی و مهاجر است (صفوی، ۱۳۹۹: ۹۰) و عملاً جمعیت باقی‌مانده عربی نیز اولاً در اقلیت قرار داد و ثانیاً به دلیل حاکم بودن نگاه اقتصادی و عمل‌گرایانه در این کشور و عدم وجود هویت منسجم عربی و جامعه مدنی قدرتمند که خواهان

1. Outsourcing
2. Rahman

مقابله با رژیم صهیونیستی باشد، اعتراض ملموسی علیه رژیم صهیونیستی شکل نمی‌گیرد و از این رو دست رهبران ابوظبی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بازتر از دیگر کشورهای عربی می‌باشد. افزون بر این موارد، روی کار آمدن نسل جدیدی از رهبران عرب و عمل‌گرا، همچون محمد بن زاید، ولیعهد امارات، فرایند عادی‌سازی اعراب با رژیم صهیونیستی به‌طور عام و امارات به‌طور خاص را سرعت بخشیده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که سه سطح فرمانطقه‌ای، منطقه‌ای و داخلی در حرکت امارات به سمت عادی‌سازی و پیشگام بودن این کشور در چنین مسئله‌ای تأثیرگذار بوده است.

در این چارچوب، این مقاله تلاش دارد تا با بررسی این سه سطح از علل و اهداف امارات در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به ابعاد این روابط و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. از این رو پس از ارائه مبانی نظری در قالب نظریه موازنه تهدید، به زمینه‌ها و دلایل عادی‌سازی روابط و پیامدهای آن اشاره می‌شود.

۱- چارچوب نظری: موازنه تهدید

ناتوانی رویکرد موازنه قوا در تبیین و تحلیل تحولات گسترده بین‌المللی، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، متفکران و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل را واداشت که به سراغ اصلاح نظریه سنتی موازنه قوا روی آورند. در این میان، استفان والت از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌پردازان وابسته به رئالیسم تدافعی، در صدد اصلاح و تنقیح نظریه موازنه قوا، نظریه «موازنه تهدید»^۱ را ارائه داده است. والت، تهدید و قدرت را دو چیز متفاوت می‌داند و تعریف آن‌ها را نیز متمایز به شمار می‌آورد. والت در نظریه موازنه تهدید به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که دولت‌ها در چه موقعی اتحادها را شکل می‌دهند و چه عواملی انتخاب اتحادشان را تعیین می‌کند. او برخلاف واقع‌گرایان ساختاری، معتقد است که دولت‌ها صرفاً در مقابل مجموع قدرت و توانایی‌های مادی (همچون ظرفیت اقتصادی، توانایی نظامی، جمعیت و...)، دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه آن‌ها بر ضد تهدید و قدرت تهدیدکننده دست به موازنه‌سازی می‌زنند. تهدید و نه قدرت، ثقل نگرانی‌های امنیتی کشورها در صحنه نظام بین‌الملل می‌باشد و فرضیه والت نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها، معمولاً اتحاد را به‌منظور موازنه علیه جدی‌ترین تهدید انتخاب می‌کنند و از این رو از نظر والت در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت (نیاکوئی، اسمعیلی و ستوده، ۱۳۹۲: ۱۲۲ و ۱۲۳).

به عقیده‌ی والت^۱ میزان تهدید یک دولت نسبت به دولت دیگر، بستگی به چهار عامل دارد: ۱- مجموع قدرت یک کشور^۲ - مجاورت جغرافیایی^۳ - قدرت تهاجمی^۴ - نیت ستیزه‌جویانه و تجاوزکارانه رهبران و تصمیم‌گیران کشور^۵ (والت، ۱۹۸۷: ۲۸-۲۲). بر این اساس، مجموع قدرت یک کشور برحسب منافع قدرت مادی آن تعریف می‌شود؛ این که کشوری که به‌طور کلی نسبت به کشورهای دیگر از منابع و عناصر قدرت بیشتری برخوردار است، از منظر سایر دولت‌ها تهدیدکننده‌تر از دولت‌هایی است که منابع کمتری در اختیار دارند. نزدیکی و مجاورت جغرافیایی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تهدیدزایی و ادراک از تهدید دارد؛ چراکه انتقال تهدیدها در فواصل کوتاه‌تر به‌مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی‌تر است (بوزان و وور^۶، ۲۰۰۴: ۴). و از این رو هر مقدار نزدیکی جغرافیایی بیشتر باشد، ادراک تهدید شدیدتر می‌شود. منظور از توانایی تهاجمی و آفندی نیز ادواتی است که در حمله و تهاجم کاربرد بیشتری دارد و حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای دیگر را با تحمیل هزینه کم تهدید می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲۳۴). بین قدرت تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به این معنی که هر چه میزان توانایی یک کشور بیشتر باشد، به همان میزان ادراک تهدید افزایش می‌یابد (جرویس^۷، ۲۰۰۸، ۱۱۷-۱۱۰). در نهایت نیت تهاجمی و توسعه‌طلبانه رهبران کشورها علیه دولت دیگر نیز عامل تعیین‌کننده در شکل دادن به تهدیدها و ادراک تهدید از سوی طرف‌های مقابل می‌باشد. به عقیده‌ی والت، همه متغیرهای ذکر شده در سایه متغیر کلان‌تر، یعنی ادراک نیت تهاجمی، قرار دارند. بنابراین هر میزان که وزن این مؤلفه‌های چهارگانه بیشتر باشد، ادراک تهدید از سوی دولت‌ها افزایش می‌یابد و با سرعت و حدت بیشتر به سمت ایجاد موازنه حرکت می‌کنند.

نکته دیگر در نظریه موازنه تهدید استفال والت در خصوص چگونگی تأثیرگذاری عوامل ایدئولوژیک و شباهت‌های فرهنگی در شکل‌گیری اتحادها می‌باشد. از نظر والت تشابهات فرهنگی و قرابت ایدئولوژیک به‌عنوان یک انگیزه برای شکل‌دادن به اتحاد، در برابر متغیرهای دیگر همچون قدرت و تهدید، کمتر تعیین‌کننده می‌باشد. او در فصل ششم کتاب خود، تحت‌عنوان، «ریشه‌های اتحاد»، به موضوع تأثیر ایدئولوژی بر اتحاد میان کشورها می‌پردازد. او

1. Walt
2. Overall Capabilities
3. Geographic Proximity
4. Offensive Capabilities
5. Aggressive Intentions
6. Buzan & w'ver
7. Jervis

نتیجه می‌گیرد که تشابهات فرهنگی می‌تواند کشورها را به هم نزدیک کند؛ اما به‌هنگام خطر، ملاحظات ایدئولوژیک ارجحیت می‌یابد (والت، ۱۹۸۷: ۱۸۱). بنابراین از نظر والت، همبستگی ایدئولوژیک و قرابت‌های عقیدتی تأثیر ثانویه بر شکل‌گیری اتحادها دارد و مسئله اصلی در این باره، ادراک مشترک تهدید است که کشورها را به سمت شکل دادن به اتحادها می‌کشاند.



شکل ۱. عوامل موثر بر ادراک میزان تهدید از دیدگاه استفان والت (والت، ۱۹۸۵: ۱۳-۸)

با توجه به مطالب گفته‌شده، نظریه موازنه تهدید می‌تواند به بهترین شکل تبیین‌کننده مسئله تحقیق حاضر باشد. امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، محور مقاومت به رهبری ایران را تهدیدی مشترک علیه خود می‌دانند. نزدیکی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران به امارات متحده عربی، قدرت ملی بالای ایران (از نظر جمعیتی، جغرافیایی، نیروی نظامی و ...) در برابر امارات، توانایی و قدرت تهاجمی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ادراک تهدید مقامات اماراتی از قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، موجب نزدیکی این کشور به رژیم صهیونیستی شده است تا از این طریق منافع و امنیت خود را تأمین نماید.

در سوی دیگر، رژیم صهیونیستی قرار دارد که نه تنها جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی وجودی علیه خود قلمداد می‌کند، بلکه در سال‌های اخیر حضور آشکار ایران در نزدیکی مرزهای این رژیم (جولان و جنوب لبنان) افزایش یافته است و بر ادراک تهدید از سوی جمهوری اسلامی ایران افزوده شده است. از سوی دیگر ایران دارای قدرت تهاجمی و آفندی است که امکان مورد

حمله قرار گرفتن فلسطین اشغالی را افزایش می‌دهد. تمامی این موارد و احساس تهدیدی که مقامات رژیم صهیونیستی از جمهوری اسلامی ایران، درک می‌کنند، برقراری اتحاد با امارات متحده عربی را راهبردی برای شکل دادن به موازنه در برابر ایران می‌داند تا از این طریق موازنه قدرت را در منطقه به نفع خود تغییر دهد.

۲- پیشینه روابط امارات و رژیم صهیونیستی پیش از علنی سازی

یکی از تفاوت‌های اساسی عادی سازی روابط امارت با رژیم صهیونیستی نسبت به دیگر کشورها، این است که ابوظبی و تل‌آویو قبل از آغاز روند عادی سازی، نه تنها با یکدیگر هیچ گونه درگیری نظامی و سیاسی نداشتند، بلکه روابط عمیق امنیتی، نظامی و اقتصادی نیز برقرار کرده بودند و از این رو صحبت از عادی سازی روابط، بی‌معنی است؛ بلکه باید از علنی سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی بحث کرد. با این حال امارات متحده عربی تا پیش از علنی سازی روابطش با رژیم صهیونیستی، به تأسی از کشورهای عربی، همبستگی خود را با مسئله فلسطین نشان می‌داد و خواستار راه‌حلی عادلانه برای مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین بر اساس ابتکار صلح عربی^۱ در سال ۲۰۰۲ بود. با این وجود علی‌رغم سیاست اعلامی امارات در قبال رژیم صهیونیستی، اما مروری بر روابط گسترده امنیتی، نظامی و اقتصادی این کشور با رژیم صهیونیستی، نشان می‌دهد که سیاست اعمالی ابوظبی در قبال رژیم صهیونیستی متفاوت بوده است.

در سال ۲۰۰۸، سازمان تأسیسات حیاتی ابوظبی (که مسئول امنیت و ایمنی این کشور است) قراردادی به ارزش ۸۱۶ میلیون دلار با شرکت AGT International که یک شرکت سوئیسی متعلق به تاجر صهیونیستی، متی کوچاوی، است، برای خرید تجهیزات نظارتی زیرساخت‌های حیاتی، از جمله نفت و گاز در امارات امضا کرد. همین شرکت با هدف افزایش قابلیت‌های اطلاعاتی و امنیتی ابوظبی، سه هواپیمای بدون سرنشین به امارات تحویل داد و همچنین یک سیستم مرکزی برای نظارت امنیتی به نام «چشم شاهین» که به‌طور رسمی در جولای ۲۰۱۶ راه‌اندازی شد، به پلیس ابوظبی ارائه کرد (المركز العربی للابحاث و دراسه السياسات، ۲۰۲۰: ۲). گذشته از این‌ها در آگوست ۲۰۱۸، امارات از گروه صهیونیستی NSO فناوری پیشرفته پگاسوس که به هک تلفن همراه می‌پردازد، خریداری کرد که ابعاد آن در تابستان ۲۰۲۱ افشا شد.

1. Arab Peace Initiative (Api)

گذشته از روابط اقتصادی، از نظر نظامی، امارات متحده عربی در بسیاری از رزمایش‌های نظامی، از جمله رزمایش پرچم سرخ، در کنار رژیم صهیونیستی شرکت کرده بود؛ این رزمایش که یک تمرین رزمی پیشرفته هوایی است، توسط نیروی هوایی ایالات متحده نظارت می‌شود. افزون بر این در مارس ۲۰۱۷ و آوریل ۲۰۱۹، نیروی هوایی امارات متحده عربی در رزمایش نظامی موسوم به «اینوهوس» در یونان شرکت کرد و رژیم صهیونیستی نیز در این رزمایش‌ها شرکت داشت (کوهن^۱، ۲۰۱۷) و (اهرونهیم^۲، ۲۰۱۹).

روابط بین امارات و رژیم صهیونیستی در سطح دیپلماتیک، فرهنگی و ورزشی نیز در جریان بود. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۵، رژیم صهیونیستی یک دفتر دیپلماتیک در ابوظبی پایتخت امارات باز کرد که وابسته به آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر^۳ بود (کوک^۴، ۲۰۲۰). اهمیت این رویداد به حدی است که وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی، از آن با عنوان «سوخ پیرومندانۀ دیپلماتیک» یاد کرد (احمدی، ۱۳۹۹: ۹۲)؛ چراکه این اولین دفتر دیپلماتیک رسمی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس به شمار می‌رفت. افزون بر این وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی، میری رگو، در اکتبر ۲۰۱۸ از ابوظبی بازدید عمومی کرده بود و هم‌زمان ایوب کارا وزیر ارتباطات این رژیم نیز در کنفرانسی برای ارتباطات که در دبی برگزار شد، شرکت کرد. اسرائیل کاتز وزیر اسبق امور خارجه و اطلاعات رژیم صهیونیستی در ژوئیه ۲۰۱۹ برای شرکت در کنفرانس محیط زیستی سازمان ملل متحد از ابوظبی بازدید کرد و همچنین هیئتی از وزارت دادگستری رژیم صهیونیستی به ریاست دینا زیلبر، معاون دادستان کل، برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با فساد در دسامبر ۲۰۱۹ از ابوظبی بازدید کرده بود (المركز العربی للابحاث و دراسه السياسات، ۲۰۲۰: ۲).

تمامی این موارد که نمونه‌هایی از روابط مخفی امارات و رژیم صهیونیستی می‌باشد، نشان می‌دهد که عملاً روند عادی‌سازی میان رژیم صهیونیستی و امارات به دو دهه قبل بازمی‌گردد و فقط در سپتامبر ۲۰۲۰، این دو شروع به علنی‌سازی روابط خود کردند. در همین خصوص بواز بیسموت، سردبیر روزنامه «اسرائیل الیوم» و معتمد نتانیا هو، ابراز کرد: «امارات متحده عربی که قبلاً، دو دهه معشوقۀ اسرائیل بود، اکنون درملاءعام به همسر قانونی تل‌آویو درآمده است» (المركز العربی للابحاث و دراسه السياسات، ۲۰۲۰: ۳)؛ بنابراین همکاری امنیتی و اطلاعاتی امارات متحده

1. Cohen
2. Ahronheim
3. Irena
4. Cook

عربی و رژیم صهیونیستی که قبلاً برای مدت زمان قابل توجهی و با شدت‌های مختلف ادامه یافته بود، با علنی‌سازی روابط، به سمت نهادینه کردن این همکاری‌های امنیتی و همچنین در خدمت گسترش ابعاد اقتصادی و فرهنگی روابط حرکت کرد (گوزانسکای و میشل^۱، ۲۰۲۰: ۲).

۳- علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی از علنی‌سازی روابط با رژیم

صهیونیستی

یکی از مهمترین سؤالاتی که ممکن است در مورد علنی شدن روابط امارات با رژیم صهیونیستی مطرح شود این است که چه عواملی سبب شده که امارات روش خود در ادامه تعاملات عمیق و گسترده با رژیم صهیونیستی را تغییر داده و به اعلام رسمی آن مبادرت ورزیده است. به نظر می‌رسد مهمترین انگیزه‌های امارات در این زمینه شامل موارد زیر است:

۳-۱- موازنه‌سازی در مقابل محور مقاومت (و گروه‌های اخوانی)

بی‌شک یکی از ویژگی‌های اساسی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در سده جدید میلادی، نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. ایران با فروپاشی حزب بعث (۲۰۰۳) توانست حوزه نفوذ خود را در عراق گسترده کند. از سوی دیگر نقش آفرینی حزب الله به عنوان متحد راهبردی ایران در لبنان، به‌ویژه پس از جنگ سی‌وسه روزه (۲۰۰۶) و تحمیل اولین شکست بزرگ به رژیم صهیونیستی، وزن ژئوپلیتیکی محور مقاومت را افزایش داد. با وقوع بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ و فروپاشی کشورهای نزدیک به غرب و همچنین شکل‌گیری بحران سوریه، عراق و یمن و همچنین سر بر آوردن گروه‌های تروریستی همچون داعش و جبهه‌النصره، نقش آفرینی محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه افزایش یافت. موفقیت ایران در مدیریت بحران عراق و شکست داعش در این کشور و همچنین تأسیس گروه‌های مقاومت عربی همچون حشدالشعبی منجر به تثبیت نفوذ ایران در عراق شد. افزون بر این حضور مستقیم و قانونی ایران و حزب الله لبنان در بحران سوریه و اضافه شدن گروه‌های عراقی به این مجموعه و همچنین پی‌ریزی گروه‌های مقاومت پاکستانی و افغانستانی تحت عنوان زینبیون و فاطمیون، نه تنها سبب نزدیکی راهبردی گروه‌های مقاومت شد، بلکه تجربه ارزنده‌ای برای آن‌ها

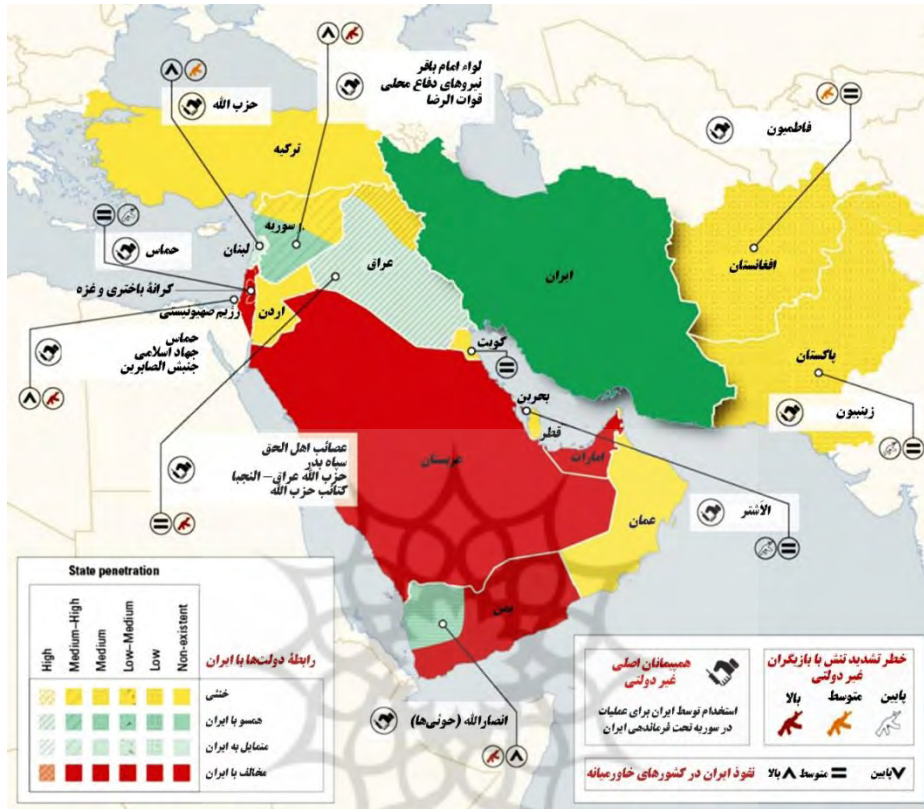
1. Guzansky & Michael

ایجاد کرد و مشروعیت این محور را در منطقه و فرامنطقه به دلیل مبارزه با گروه‌های تروریستی و به‌ویژه داعش که ثبات و امنیت جهان را تهدید می‌کرد، افزایش داد.

در این میان بحران یمن و شگفتی‌سازی گروه انصار الله و پیروزی کم‌نظیری آن در مقابل ائتلاف عربی (به‌ویژه عربستان و امارات)، نفوذ محور مقاومت به رهبر ایران را از سواحل مدیترانه به سواحل دریای سرخ گسترش داد. گذشته از این‌ها، قدرتمند شدن گروه‌های مقاومت فلسطینی، همچون حماس و جهاد اسلامی که ارتباط بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران دارند و مقابله آنها با رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی و همچنین تحمیل خواسته‌های خود بر این رژیم در جنگ‌های متعدد، محور مقاومت را بیش از پیش، قدرتمندتر ساخت. در این چارچوب، مرکز مطالعات استراتژیک^۱ در کتابی تحت عنوان «شبکه‌های نفوذ ایران در خاورمیانه^۲» به مطالعه نفوذ منطقه‌ای ایران در غرب آسیا و شمال آفریقا و به‌ویژه کشورهای لبنان، عراق، سوریه و یمن پرداخته است. در این کتاب، پروژه‌های موشکی، هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌عنوان قابلیت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران برای بسط قدرت ملی‌اش عنوان می‌شود و در این میان ضلع سوم یعنی نفوذ منطقه‌ای ایران را در دهه گذشته بیش از دیگر عوامل، مؤثر در افزایش قدرت ملی ایران ارزیابی می‌کند (IISS، ۲۰۲۰: ۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. The International Institute For Strategic Studies
2. Iran's Networks Of Influence In The Middle East



شکل ۲. جایگاه ایران در موازنه‌سازی منطقه‌ای در غرب آسیا و شمال آفریقا (JISS, ۲۰۲۰: ۱۳).

پیامد اولیه حضور منطقه‌ای ایران، نگرانی برخی کشورهای منطقه و حرکت آنان در راستای موازنه‌سازی قدرت ایران بود. در این میان، امارات متحده عربی که در دهه‌های اخیر توانسته خود را از کشور ذره‌ای و تأثیرپذیر به کشوری تأثیرگذار در منطقه تبدیل نماید و به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۱ در بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای کنش‌گرا باشد، رو در روی محور مقاومت و در برخی موارد در مقابل محوگروه‌های اخوانی قرار گرفت. از این رو، سعی کرده با ایجاد روابط با رژیم صهیونیستی به نوعی موازنه قوا را در مقابل ایران و جبهه مقاومت برقرار سازد. در این زمینه، عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات در مقاله‌ای در وال‌استریت ژورنال، عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی را رویکرد جدیدی برای مقابله با

چالش‌های منطقه‌ای دانست (بن زاید النهیان^۱، ۲۰۲۰). انور قرقاش، وزیر مشاور در امور خارجه امارات نیز تأکید کرد «اقدامات تهاجمی و منطقه‌ای ایران، اماراتی‌ها را وادار کرد تا با نگاهی تازه به رابطه با رژیم صهیونیستی فکر کنند (گوزاسکای و ای. مارشال^۲، ۲۰۲۰: ۴). به سخن دیگر افزایش وزن ژئوپلیتیکی و نفوذ منطقه‌ای محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه و تغییر توازن قوا به نفع این محور و همچنین تعارض منافع امارات متحده عربی با محور مقاومت در بسیاری از پرونده‌های منطقه مثل یمن، رهبران امارات را به سمت علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی کشاند تا از این طریق بتواند موازنه قدرت را در مقابل محور مقاومت برقرار نماید. در واقع، نتیجه ادراک تهدید از جانب ایران (و تا حدودی ترکیه)، منجر به شکل‌گیری دیدگاه استراتژیک جدیدی نسبت به روندهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در سیاست خارجی امارات شد. کوتاه سخن اینکه ادراک مشترک تهدید از سوی تهران برای رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی طی سال‌های گذشته، موجب نزدیک‌تر شدن این دو بازیگر به یکدیگر شده است. امارات از قدرت هژمونیک ایران در منطقه واهمه دارد و موشک‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین ایران و گروه‌های نزدیک به تهران را به عنوان چالش برانگیزترین تهدید این کشور در دوره کنونی می‌داند (گوزاسکای، ۲۰۲۲: ۲). به عبارت دقیق‌تر امارات نگران قدرت‌افزایی منطقه‌ای ایران و متحدین محور مقاومت در منطقه است و رژیم صهیونیستی نگران حفظ بقا و موجودیت خود.

۳-۲- اندیشیدن به خاورمیانه پس‌آمریکا و هراس از سیاست‌های واشنگتن

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سیاست خارجی کشورهای عربی منطقه، اندیشیدن به چگونه زیستن در این منطقه در دوره پس‌آمریکا و انطباق خود با سیاست‌های واشنگتن است. بسیاری از کشورهای عرب منطقه از جمله امارات، امنیت خود را به ایالات متحده گره زده‌اند. با این وجود برخی سیاست‌های آمریکا در دهه اخیر، تفکر رهبران عرب و به‌ویژه امارات را در متکی بودن به آمریکا دگرگون ساخته است.

این تفکر به‌ویژه از دوران اوباما که در آن راهبرد غرب آسیای آمریکا تحت تأثیر مؤلفه‌هایی از جمله استراتژی چرخش به آسیا^۳، به صورت جدی تغییر کرد تقویت شد و در دوره ترامپ نیز تشدید گردید. در این میان، استراتژی چرخش به آسیا که برای نخستین بار در سند راهبردی

1. Bin Zayed Al Nahyan
2. Guzansky & A. Marshall
3. Pivot To Asia

«تداوم رهبری جهانی آمریکا؛ اولویت‌های دفاعی در قرن ۲۱» در سال ۲۰۱۲ مطرح شد، منطقه شرق و جنوب شرق آسیا را برای مقابله با قدرت روزافزون چین به عنوان اولویت‌های اساسی سیاست خارجی آمریکا معرفی کرد به گونه‌ای که وزیر دفاع وقت آمریکا لئون پانتا در همین خصوص در سنگاپور چنین گفت: «ما تصمیم گرفته‌ایم که این منطقه در اولویت ما باشد» (یزدان پناه و جانفشان، ۱۳۹۲: ۲۶۰). این مسئله زمینه تقویت ایده عدم ضرورت حضور مستقیم آمریکا در منطقه و سیاست برون‌سپاری و تمرکززدایی آمریکا از غرب آسیا را به وجود آورد که شوک بزرگی برای کشورهای عربی منطقه به حساب می‌آید که امنیت‌شان را با استمرار حضور ایالات متحده تعریف کرده بودند.

از سوی دیگر، انقلاب نفت شیل و افزایش تولید نفت ایالات متحده و عدم نیاز به نفت منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نهفته بود. از زمان آغاز بهره‌برداری گسترده از نفت شیل^۱ در سال ۲۰۰۸، تولید نفت خام ایالات متحده با ۱۴۰ درصد افزایش به ۱۲/۱ میلیون بشکه در روز رسید که عملاً واشنگتن را به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت تبدیل کرد. چنین وضعیتی موجب شد در حالی که در سال ۲۰۰۷، قبل از دوران شیل، اوپک ۳۰ درصد نفت مصرفی آمریکا را تأمین می‌کرد، در سال ۲۰۱۸ به ۱۵ درصد کاهش یابد (کلمنته^۲، ۲۰۱۹). این موضوع سبب شده است که واشنگتن عملاً خود را وابسته به غرب آسیا تلقی نکند. چنین موضوعی نیز کاهش نیروی آمریکا در منطقه را تسهیل نمود و اهرم فشار کشورهای عربی برای تحت‌تأثیر قرار دادن سیاست‌های غرب آسیای آمریکا را کاهش داد.

افزون بر این، برخی سیاست‌های آمریکا در طی دهه اخیر، موجب هراس کشورهای عربی شده است. اولویت قرار دادن منافع آمریکا و توجه به مسائل اقتصادی در منطقه نیز در توسعه روابط کشورهای عربی به طور عام و امارات به طور خاص با رژیم صهیونیستی تأثیرگذار بوده است. به طوری که عدم حمایت آمریکا از کشورهای عرب‌زبان همچون مصر در جریان بیداری اسلامی، امضای توافق هسته‌ای برجام که برخلاف نظر کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بود و همچنین عدم نقش آفرینی آمریکا در مقابله با هدف قرار گرفتن سکوهاى نفتى عربستان و بندر فجیره امارات، ابوظبى و تل‌آویو را به یکدیگر نزدیک ساخت. در این میان، خروج آمریکا از افغانستان و تحویل این کشور به طالبان در کنار زمزمه‌های خروج آمریکا از سوریه و عراق و همچنین عدم پاسخ‌گویی ایالات متحده به سرنگونی یک پهپاد جاسوسی پیشرفته آمریکا بر فراز

1. Shale Oil
2. Clemente

تنگهٔ هرمز که از سوی ایران انجام گردید، نگرانی اعراب در خصوص ساکت ماندن آمریکا در مقابل به خطر افتادن امنیت هم‌پیمانان عربی و واشنگتن را گسترش داد (بن آمی^۱، ۲۰۲۰) و ترس آن‌ها را از قطع حمایت‌های لجستیکی و نظامی آمریکا افزایش داد که در نتیجهٔ آن رهبران عرب به این واقعیت رسیدند که نمی‌توان صرفاً به آمریکا تکیه کرد و باید برای تأمین امنیت خود سراغ ایجاد توازن و استفاده از قدرت دولت‌های منطقه به‌ویژه رژیم صهیونیستی باشند.

ائتلاف با رژیم صهیونیستی به این دلیل که به اعتقاد رهبران امارات، می‌تواند این کشور را از تجهیزات نظامی، لجستیکی و اتمی رژیم صهیونیستی برخوردار کند و از او در برابر تهدیدات و خطرات محتمل آینده محافظت نماید، حائز اهمیت است. بر این اساس، منافع و اشتراک نظر میان رهبران امارات و رژیم صهیونیستی که پس از بیداری اسلامی و توافق هسته‌ای غرب با ایران، تشدید شد، زمینه‌های شکل‌گیری روابط گسترده میان این دو را فراهم ساخت و زمینه‌های علنی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی را تشدید کرد.

۳-۳- جلب حمایت آمریکا و استفاده از لابی‌های صهیونیستی

امارات با اینکه آمریکا را دیگر قدرتی قابل اعتماد و همیشگی در غرب آسیا نمی‌داند؛ اما این حقیقت را که تا چند دههٔ آینده آمریکا قدرتمندترین کشور جهان باقی خواهد ماند را نیز نادیده نمی‌گیرد. این حقیقت موجب شده است که امارات همچنان در پی جلب حمایت آمریکا در راستای دستیابی به منافع خود در منطقه و در نظام بین‌الملل باشد. امارات معتقد است که هر مقدار بتواند نظر واشنگتن را جلب نماید، به همان میزان می‌تواند از مزیت‌های راهبردی آمریکا به نفع خود استفاده نماید چنانچه در پرتو توافق ابراهیم، امارات مجوز خرید هواپیماهای اف-۳۵ را از آمریکا کسب کرد. در این میان برخی تحلیلگران معتقدند که پیمان ابراهیم، راهبرد واشنگتن برای جلوگیری از دخالت فزایندهٔ چین و مسکو در غرب آسیا، از طریق ترویج متحدان آمریکا به ایجاد ائتلاف منطقه‌ای است تا از این طریق بدون واگذاری فضا به رقبای استراتژیک خود، عقب‌نشینی مرحله به مرحله خود را از غرب آسیا ادامه دهد (فرگوس آلتر و جناردان^۲، ۲۰۲۱: ۹). به سخن دیگر، تحولات نظام بین‌الملل موجب شده که نگاه ایالات متحده به آسیا- پاسیفیک معطوف شود و خواهان برون‌سپاری مسائل منطقه به کشورهای دوست گردد که نتیجهٔ آن نیز تشویق ایالات متحده برای شکل‌گیری اتحادهای منطقه‌ای میان کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی است.

1. Ben-Ami
2. Forgues Alter & Janardhan

که پس از کاهش حضور آمریکا در منطقه، این خلأ ژئوپلیتیکی توسط اتحادی از اعراب و رژیم صهیونیستی پر شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۵).

در این میان، با توجه به اینکه لابی‌های صهیونیستی مستقر در آمریکا همچون آپیک و جی استریت، بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین لابی در آمریکا به حساب می‌آیند؛ مسلماً بهره‌گیری از قدرت و نفوذ این لابی‌ها در راستای جهت‌دهی به سیاست‌های غرب آسیای آمریکا نیز یکی از اهداف امارات در علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که جرج بال معاون اسبق وزیر امور خارجه آمریکا، در این خصوص تأکید نموده که «نمایندگان کنگره در مورد سیاست خاورمیانه‌ای همانند یک دسته از توله‌سگ‌های دست‌آموز عمل می‌کنند و از میان حلقه‌ای که گروه‌های فشار طرفدار اسرائیل درست کرده‌اند، بالا و پایین می‌پرند» (فیندلی، ۱۳۸۹: ۱۳). دیوید میلر، تحلیلگر و سیاستمدار برجسته آمریکایی، نیز در این خصوص می‌گوید: «کشورهای عربی به خوبی می‌دانند که راه واشنگتن از بیت‌المقدس می‌گذرد (میلر^۱، ۲۰۲۰). بنابراین عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی، این توانایی را به امارات می‌دهد تا از طریق گام برداشتن در روند صلح، وجهه و اهرم فشار خود را در کنگره و کاخ سفید بهبود ببخشد (گوزاسکای و میشل^۲، ۲۰۲۰: ۳). و از طریق لابی‌های صهیونیستی، سیاست‌های خود را بر دولتمردان آمریکا تحمیل نماید و از حمایت این کشور برخوردار گردد.

۳-۴- استفاده از فرصت‌ها و مزایای تکنولوژی رژیم صهیونیستی

یکی از مهم‌ترین دلایل علنی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی، استفاده از قدرت علمی و فناوری این رژیم است. رژیم صهیونیستی توانسته با قدرت علمی و فناورانه خود، از نظر کشاورزی، پزشکی و تسلیحاتی، نظر دیگر کشورهای منطقه و فرامنطقه را به خود جلب کند. این رژیم در آخرین رتبه‌بندی شاخص جهانی نوآوری که توسط سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو) اعلام گردید، در رتبه ۱۳ جهان و با اختلاف بسیار در رتبه اول منطقه قرار گرفت (کنز^۳، ۲۰۱۸: ۵۳۸)؛ در نتیجه با دستیابی به این سطح از قدرت علمی و فناوری، محصولات‌های تک^۴، نیمی از صادرات رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد (ریولین^۵، ۲۰۲۱: ۴). بنابراین همان‌گونه که

1. Miller
2. Guzansky & Michael
3. katz
4. High-Tech
5. Rivlin

یکی از مقامات صهیونیستی ابراز کرده، فناوری رژیم صهیونیستی، کلید تمام قفل‌های این رژیم با کشورهای جهان است (احمدی، ۱۳۹۹: ۹۷).

در این میان امارات که در سال‌های اخیر به دنبال محدود کردن ریسک‌های اقتصادی و مهم‌تر از همه کاهش بیشتر اتکای خود به نفت و فرآورده‌های نفتی است، به سمت سیاست افزایش تنوع اقتصادی حرکت کرده است. این سیاست در تلاش برای ارتقای امارات به‌عنوان مرکز جهانی تجارت و گردشگری، توسعه صنایع پیشرفته، تمرکز بر محصولات مرتبط با فناوری رایانه، توسعه آموزش و تشویق تحقیقات علمی و فناوری از جمله در زمینه‌های فضا و هسته‌ای می‌باشد (ایون و فادلون، و گوزانسکای^۱، ۲۰۲۰: ۲). افزون بر این امارات متحده عربی، در «استراتژی ملی نوآوری^۲» خود که در سال ۲۰۱۴ از آن رو‌نمایی کرد، به دنبال تحریک در هفت بخش انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل و نقل، تحصیلات، سلامتی، فن‌آوری، آب و فضا می‌باشد تا از این طریق به یکی از مبتکرترین کشورهای جهان تبدیل شود (National Innovation Strategy, 2021). از این رو این کشور برای دنبال کردن سیاست تنوع اقتصادی و محقق کردن استراتژی ملی نوآوری خویش و همچنین بهره‌مندی از تکنولوژی‌های جدید و حل مشکلات ژئوپلیتیکی‌اش بر ادعاهای فناورانه رژیم صهیونیستی حساب باز کرده است که بهره‌مندی حداکثری از آن با آشکار شدن روابط ابوظبی - تل‌آویو ممکن خواهد بود.

امارات می‌کوشد تا مشکل کم‌آبی خود را با دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن رژیم صهیونیستی برطرف نماید و یا از طریق فناوری‌های انرژی خورشیدی که رژیم صهیونیستی مدعای پیش‌رو بودن در آن را دارد، به امارات در این زمینه کمک نماید. افزون بر این امارات به دنبال استفاده از فناوری‌های رژیم صهیونیستی در بخش کشاورزی و تولیدات مواد غذایی است. گذشته از این‌ها، به دلیل سابقه سرکوبگری مردم توسط رژیم صهیونیستی و بهره‌گیری آن از ابزارهای متنوع، امارات می‌تواند با استفاده از تجربیات و ابزارهای در دسترس این رژیم، علاوه بر تقویت حاکمیتش، اهداف توسعه‌طلبانه خود را نیز محقق سازد. علاوه بر این، امارات با همکاری با رژیم صهیونیستی، قادر خواهد بود بسیاری از اهداف استراتژی ملی نوآورانه خود را تحقق ببخشد؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از بخش‌های اصلی این برنامه، همچون، انرژی‌های تجدیدپذیر، آب، فناوری و تحصیلات، مواردی هستند که رژیم صهیونیستی می‌تواند امارات را در رسیدن به این اهداف کمک نماید.

1. Even & Fadlon, & Guzansky
2. National Innovation Strategy

افزون بر این، رژیم صهیونیستی در زمینه برخورداری از تسلیحات با فناوری بالا جایگاه ویژه‌ای دارد که چنین مسئله‌ای با توجه به حفره‌های دفاع ضد موشکی امارات، برای رهبران ابوظبی حائز اهمیت می‌باشد که از این نظر نیز می‌تواند برای امارات متحده عربی که خواهان خرید تسلیحات نظامی گسترده است^۱، مفید واقع شود. به‌ویژه این که رژیم صهیونیستی برخلاف کشورهای اروپایی ملاحظاتی برای نقض احتمالی حقوق بشر ندارد تا از این طریق سیاست‌های امارات را کنترل نماید (رحمان، ۲۰۲۱). که همین امر، امتیاز بزرگی برای ابوظبی به شمار می‌آید. از سوی دیگر، امارات متحده عربی می‌تواند در عرصه موشکی و در زمینه سامانه‌های پدافند موشکی کوتاه برد (گنبد آهنین)، سامانه ضد موشکی میان برد (فلاخن داوود) و سامانه ضد موشکی بالستیک، از رژیم صهیونیستی بهره‌بردار؛ اگرچه ناتوانی این سامانه‌ها در درگیری‌های متعدد رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت طی سال‌های اخیر آشکار شده است.

گذشته از این، ابوظبی و تل‌آویو در حوزه انرژی و مسائل اقتصادی نیز می‌توانند همکاری‌هایی داشته باشند. امارات، هفتمین کشور دارنده نفت به حساب می‌آید و رژیم صهیونیستی نیز به سبب عدم وجود ذخایر نفت در فلسطین اشغالی، نیاز مبرمی به این کالای استراتژیک دارد. از سوی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیکی خاص رژیم صهیونیستی که هم‌مرز با دو دریای راهبردی سرخ و مدیترانه است، امکان دور زدن کانال سوئز را فراهم می‌کند. به طوری که نفت امارات می‌تواند از طریق دریای سرخ و عبور از خلیج عقبه، به بندر ایلات رژیم صهیونیستی برسد و از آنجا با خط لوله ایلات-اشکلون به سواحل دریای مدیترانه انتقال یابد و امکان ارسال به کشورهای اروپایی فراهم شود و یا حتی با گسترده شدن روابط اعراب با رژیم صهیونیستی، نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌تواند به‌طور زمینی، به ایلات و از آنجا به اروپا منتقل گردد (بلینوا^۲، ۲۰۲۰).

به‌خصوص اینکه یکی از مزیت‌های انتقال نفت از خط لوله ایلات-اشکلون نسبت به کانال سوئز این است که این خط لوله می‌تواند سوپرنفت کش‌ها را از خود عبور دهد، درحالی که کانال سوئز به دلیل عرض کم، ناتوان از این مسئله است (عالیشاهی، فروزان و سلیمانی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). چنین مزیتی به امارات این فرصت را می‌دهد تا بتواند به راحتی نفت مورد نیاز خود را به اروپا صادر نماید و بازارهای صادراتی خود را گسترش دهد و از سوی دیگر به رژیم صهیونیستی نیز این

۱. امارات متحده عربی با بودجه دفاعی بیش از ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹، دومین خریدار تسلیحات در غرب آسیا پس از عربستان سعودی است.

2. Blinova

فرصت را می‌دهد تا خود را به هاب انرژی منطقه تبدیل نماید و وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهد. در کنار این موارد با توجه به پتانسیلی که هم در امارات و هم در رژیم صهیونیستی در خصوص صنعت گردشگری وجود دارد، هر دو دولت، می‌توانند از این مزیت یکدیگر نیز استفاده نمایند.

این مسئله بیش از منافع اقتصادی، می‌تواند منافع سیاسی داشته باشد؛ چراکه موجب تحکیم و تعمیق روابط آنان می‌گردد (شفر، ۲۰۲۱: ۱)؛ بر این اساس، از دیدگاه نخبگان حاکم در امارات، روابط این کشور و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف عملاً مکمل یکدیگر به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که با وجود فقیر بودن رژیم صهیونیستی در منابع طبیعی، اما در زمینه تکنولوژی پیشرفته‌تر از امارات است و از این رو می‌تواند، منابع خام مصرفی خود را از امارات تأمین نماید و در مقابل به امارات کالایی با فناوری بالا صادر کند. از سوی دیگر در بخش نوآوری که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر در پروژه‌های تحقیق و توسعه است، رژیم صهیونیستی می‌تواند از ثروت زیاد امارات کمک بگیرد و در مقابل به رهبران امارات متحده عربی که می‌خواهند اقتصاد خود را فراتر از صادرات نفت خام گسترش دهند و صادرات خود را متنوع سازند (فرگوس آلتر و جناردان، ۲۰۲۱: ۱-۲). بر همین اساس، امارات و رژیم صهیونیستی، در پی این هستند که با کمک یکدیگر روابط سه جانبه و چند جانبه با دیگر کشورها ایجاد نمایند و علاوه بر تحکیم روابط خود، قدرت اقتصادی و نقش آفرینی‌شان را در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بالا ببرند. برای مثال، در نوامبر ۲۰۲۱، امارات، رژیم صهیونیستی و اردن قرارداد «آب در برابر انرژی» را امضا کردند که بر اساس آن یک شرکت اماراتی یک نیروگاه خورشیدی در اردن می‌سازد تا برق یک نیروگاه نمک‌زدایی رژیم صهیونیستی را تأمین کند که به نوبه خود آب را به اردن می‌فرستد. حتی فراتر از همکاری‌های منطقه‌ای، پیمان‌های چندجانبه نیز می‌تواند با همکاری امارات و رژیم صهیونیستی با دیگر قدرت‌ها شکل گیرد که نمونه بارز آن را می‌توان در همکاری چهارجانبه میان، هند، آمریکا، امارات و رژیم صهیونیستی که به «چهارگانه جدید» معروف شده است و متمرکز بر مسائل اقتصادی می‌باشد، دانست (باثور، ۲۰۲۲: ۳).

1. Shepherd
2. New Quad
3. Bauer

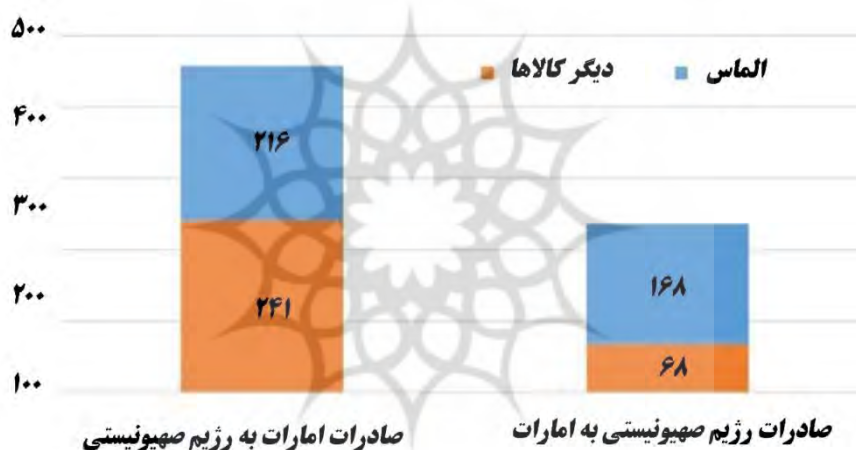
۴- روابط امارات و رژیم صهیونیستی پس از علنی سازی

توافق علنی سازی امارات و رژیم صهیونیستی، نتایج ملموسی را به همراه داشته است. این نتایج را می توان در پنج شاخص منعکس کرد: تبادل سفیر، توافقات و تفاهم نامه های مرتبط، پروازهای مستقیم، تجارت و شرکت در تمرینات نظامی مشترک. در خصوص مبادله سفرا، رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۱ سفارت خود را در ابوظبی افتتاح کرد و امارت نیز یک ماه بعد در جولای ۲۰۲۱، سفارت خود در تل آویو را افتتاح نمود تا به عنوان اولین کشور حاشیه خلیج فارس، روابط خود با رژیم صهیونیستی را در سطح سفارت ارتقا داد. از نظر پروازهای مستقیم نیز از امارات به رژیم صهیونیستی توافقاتی بین مقامات این دو دولت انجام شده است. رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی توافق کردند که ۲۸ پرواز هفتگی بین تل آویو و ابوظبی و دبی را فعال کنند (تویی، ۲۰۲۰). که نشان دهنده توسعه روابط میان تل آویو و ابوظبی است.

همچنین از نظر اقتصادی از زمان امضای توافقنامه ابراهیم، حجم تجارت گزارش شده بین رژیم صهیونیستی و امارات (که دومین اقتصاد بزرگ غرب آسیا است) به حدود نیم میلیارد دلار رسیده است. اندکی پس از دستیابی به توافقات، امارات متحده عربی برنامه های خود را برای سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری «در داخل و خارج از رژیم صهیونیستی» اعلام کرد که ترکیبی از سرمایه های خصوصی و دولتی است که شامل سرمایه گذاری در استارت آپ های فناوری این رژیم و همچنین پروژه های بزرگ آن به ویژه بخش انرژی می شود (بائور، ۲۰۲۲: ۲). بر این اساس، از آگوست ۲۰۲۰، که رژیم صهیونیستی و امارات روابط خود را علنی ساخته اند، روابط تجاری بین دو طرف، به سرعت گسترش یافته است که بیشترین آن در زمینه انرژی (تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر) بوده است و شرکت های اماراتی در بخش انرژی رژیم صهیونیستی، سرمایه گذاری هایی کرده است و دو طرف در خصوص پروژه های مربوط به این حوزه تفاهم نامه هایی امضا نموده اند. بر همین منوال، شرکت دولتی امارات متحده عربی مبادله خرید یک میلیارد دلار از سهام میدان گازی تامار رژیم صهیونیستی را در ماه دسامبر ۲۰۲۱ به پایان رساند و آن را به بزرگترین معامله تجاری بین رژیم صهیونیستی و امارات از زمان عادی سازی تبدیل کرد. بنابراین، همان گونه که پائول رولین، پژوهشگر حوزه غرب آسیا می گوید، «توافق نامه آبراهام موجب افزایش روابط امارات و رژیم صهیونیستی در بخش انرژی شده است و برخی از گره های

ژئوپلیتیکی را که توسعه ذخایر گاز مدیترانه شرقی را محدود می‌کند را باز کرده است» (ریولین، ۲۰۲۱: ۲).

روابط رژیم صهیونیستی و امارات در خارج از بخش گاز نیز در توسعه چشم‌گیری داشته است: به طوری که طبق آمار اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی، در سال ۲۰۱۹ صادرات از رژیم صهیونیستی به امارات تنها ۱۱ میلیون دلار و واردات صفر بود. در سال ۲۰۲۰ صادرات بالغ بر ۱۸ میلیون دلار و واردات ۷۵ میلیون دلار بود. در هشت‌ماهه اول سال ۲۰۲۱، صادرات رژیم صهیونیستی به امارات به ۶۸ میلیون دلار و واردات به ۲۴۱ میلیون دلار رسید. این ارقام تنها به تجارت کالاهای گزارش شده بدون الماس اشاره دارد و بخش خدمات از جمله گردشگری و فناوری را منعکس نمی‌کند (گوزانسکای و فیوئر، ۲۰۲۰: ۸).



نمودار ۱. تجارت امارت متحده عربی و رژیم صهیونیستی از ژانویه تا اگوست ۲۰۲۱ (گوزانسکای و فیوئر، ۲۰۲۰: ۸).

افزون بر این موارد، پس از عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات، همکاری‌های نظامی نیز صورت گرفته است. در آوریل ۲۰۲۱، نیروی هوایی امارات متحده عربی برای چهارمین بار در مانورهای آموزشی هوایی سالانه اینیوهوس یونان، که شامل ایالات متحده، فرانسه، اسپانیا و قبرس نیز می‌شد، در کنار جت‌های جنگنده رژیم صهیونیستی پرواز کرد و اندکی پس از مانور

هوایی اینیوهوس، سرلشکر ابراهیم ناصر محمد العلوی، فرمانده نیروی هوایی امارات متحده عربی، در مانور هوایی پرچم آبی این رژیم در اکتبر ۲۰۲۱ شرکت نمود (رابینسون و فیلی^۱، ۲۰۲۲). در فوریه ۲۰۲۲، رژیم صهیونیستی برای اولین بار در رزمایش دریایی بزرگ در دریای سرخ، موسوم به "IMX 2022" که به رهبری آمریکا و حضور کشورهای عربی، از جمله امارات، عربستان و ... برگزار شد، شرکت کرد (گراس^۲، ۲۰۲۲). علاوه بر این موارد، به گزارش شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی، با آسیب پذیری امارات و عربستان در برابر پهبادها و موشک‌ها که در جریان جنگ یمن نمایان شد، تل آویو و امارات به سمت ایجاد یک پیمان دفاعی مشترک برای محافظت در برابر تهدیدهای پهبادی و موشکی رفته‌اند (Times of Israel, 2022).

با این اوصاف، رژیم صهیونیستی به دلیل مسائل جمعیتی، تاریخی و فرهنگی، روابط رو به رشدی را با امارات تجربه می‌کند و شرایط برای شکل‌گیری صلح گرم فراهم است. این مسئله از آنجایی اهمیت دارد که روابط مصر و اردن با رژیم صهیونیستی، علی‌رغم گذشت بیش از چند ده سال از فرایند صلح، در غالب صلح سرد ارزیابی می‌شود (سلّام و ویتتر^۳، ۲۰۱۷: ۲۱) و (کوپرولو^۴، ۲۰۲۱: ۴۵۶). همین شرایط سبب شده است که رژیم صهیونیستی و امارات در این مدت کوتاه، یادداشت‌های تفاهم و موافقت‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های فرهنگی، علمی، امنیت غذایی، آب و دارو و انرژی امضا کنند و صندوق توسعه مشترک سه میلیارد دلاری ایجاد کنند که تمامی اینها نشان از افزایش مراودات دو طرف با یکدیگر است (فرگوس آلتر و جناردان، ۲۰۲۱: ۴).

۵- پیامدهای عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با عنایت به این که روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر می‌باشد، شکل‌گیری روابط امارات و رژیم صهیونیستی می‌تواند چالش‌هایی را فراروی امنیت ملی ایران قرار دهد. با این وجود، در کنار هر تهدیدی، فرصتی نیز نهفته است که جمهوری اسلامی می‌تواند از آن برای افزایش قدرت و وزن ژئوپلیتیکی خود استفاده نماید. در این

1. Robinson & Feely
2. Gross
3. sallam & winter
4. Köprülü

میان، مهمترین تهدیدات و فرصت‌های به وجود آمده برای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۵-۱- تابوشکنی توافق ابراهیم و دومینوی عادی‌سازی روابط با رژیم

صهیونیستی

علنی شدن روابط امارات و رژیم صهیونیستی و تقویت روند عادی‌سازی روابط با این رژیم، عملاً منجر به از بین رفتن تابو مذاکره با این رژیم می‌شود و ممکن است بسیاری از دولت‌های عرب منطقه را به این سمت هدایت کند که مشروعیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک دولت مستقل در غرب آسیا را بپذیرند. در این شرایط، همانگونه که شلومو بن آمی، وزیر اسبق رژیم صهیونیستی گفته است «فلسطین که زمانی کانون نگرانی‌های منطقه بود، تبدیل به یک عامل یک‌بارمصرف می‌شود» (بن آمی، ۲۰۲۰). بنابراین همانند صلح امارات و بحرین با این رژیم، آنان نیز بدون توجه به منافع فلسطینی‌ها و صرفاً بر اساس منافع ملی خود، روند سازش را در پی می‌گیرند. به سخن دیگر با رویکرد توافق‌نامه ابراهیم، صلح اعراب با رژیم صهیونیستی منوط به حل موضوع فلسطین نیست که چنین مسئله‌ای موجب از بین رفتن اهرم فشار فلسطینیان علیه صهیونیست‌ها می‌شود که این موضوع نیز در رویکردهای توسعه‌طلبانه رژیم می‌تواند تأثیر بگذارد. چنانچه نتانیا هو، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در این زمینه تصریح کرد که «این اولین توافق صلح بین اسرائیل و یک کشور عربی در ۲۶ سال گذشته است و از نظر اتخاذ دو اصل، «صلح در ازای صلح» و «صلح مبتنی بر قدرت»، با پیشینیان خود تفاوت دارد. بر اساس این دکترین، اسرائیل ملزم به عقب‌نشینی از هیچ سرزمینی نیست» (ابو رشید، ۲۰۲۰). بنابراین چنین توافق صلحی نه تنها، اصل دو دولتی را نیز بی‌معنا می‌سازد، بلکه سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی را تشویق می‌نماید که تماماً در تضاد با راهبردهای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه مسئله فلسطین، محور اصلی همگرایی امت اسلامی و نقطه اشتراک کشورهای اسلامی و از جمله دولت‌های عربی منطقه با جمهوری اسلامی ایران است، روند عادی‌سازی روابط برخی دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی - علی‌رغم تداوم آرمان فلسطین در قلب ملت‌های اسلامی - می‌تواند به مانعی در توسعه روابط ایران و این کشورها منجر شود. این مسئله در پرتو سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی می‌تواند به همگرایی بیش از پیش محور عبری - عربی بیانجامد و به این محور رسمیت ببخشد (پور اسمعیلی، ۱۳۹۹).

۵-۲- تلاش رژیم صهیونیستی برای موازنه تهدید با ایران

حضور حزب الله لبنان و نیروهای نزدیک به ایران در کشور سوریه به عنوان متحد ایدئولوژیک و استراتژیک ایران در مرزهای جعلی شمال و شمال شرقی رژیم صهیونیستی، همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های امنیتی این رژیم بوده است. این مسئله سبب شده تا این رژیم در چارچوب دکترین اتحاد پیرامونی جدید درصدد موازنه تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران برآید. بنابراین نزدیکی این رژیم به مرزهای جمهوری اسلامی ایران ابتدا در مجاورت مرزهای شمالی (آذربایجان) و غربی (کردستان عراق) پیگیری شده و هم‌اکنون این رژیم تلاش دارد تا با عملی سازی روابط ابوظبی و اورشلیم، آنرا به مرزهای جنوبی ایران نیز گسترش دهد تا از این طریق، موازنه تهدیدی را علیه کشورمان در اختیار داشته باشد. در این شرایط، حضور رسمی رژیم صهیونیستی در امارات می‌تواند دامنه اقدامات جاسوسی و خرابکاری این رژیم علیه جمهوری اسلامی ایران را افزوده و امکان توطئه افکنی در داخل مرزهای ایران و تقویت گروه‌های تجزیه طلب و تکفیری در مرزهای جنوبی و شرقی ایران را تقویت نماید (مددی، ۱۳۹۹: ۲۶).

افزون بر این، همکاری امارات و رژیم صهیونیستی با یکدیگر در مسائل مختلف منطقه، از جمله در بحران یمن، این فرصت را به رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی می‌دهد که با همکاری با یکدیگر و حضور در جزیره بسیار راهبردی سقطری و بنادر جنوب یمن، استفاده نمایند و فعالیت‌های کشتیرانی ایران را در دریای سرخ و اقیانوس هند با موانعی مواجه سازند و حتی در مواقع لزوم، به منافع جمهوری اسلامی ایران، آسیب رسانند. بنابراین، همکاری سیاسی- استراتژیک و اطلاعاتی- عملیاتی رژیم صهیونیستی و امارات، می‌تواند در آینده روابط منطقه و همچنین چگونگی عملیاتی سازی راهبردها و تاکتیک‌های جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و شمال آفریقا و در نهایت، موازنه قدرت و همچنین موازنه تهدید در این منطقه میان ایران و رژیم صهیونیستی نیز تأثیر بگذارد. لکن دست برتر جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، امکان وارد کردن ضربات جدی تر به رژیم صهیونیستی و منافع آن را در صورت لزوم فراهم می‌کند که درگیری دریایی در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و آسیب پذیری رژیم صهیونیستی در دریا نمودی از همین موضوع است (هلفونت، ۲۰۲۱: ۱).

۵-۳- عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی و تغییر ژئوپلیتیک انتقال انرژی منطقه

یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری روابط امارات و رژیم صهیونیستی و فراگیر شدن فرایند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، دستیابی این رژیم به شبکه ارتباطات و حمل و نقل کالا و انرژی منطقه می‌باشد. میرالران^۱، محقق ارشد «موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل»، حمل و نقل را یکی از مسائلی می‌داند که می‌تواند «ژئوپلیتیک منطقه» و نقشه غرب آسیا را به‌طور اساسی به نفع رژیم صهیونیستی تغییر دهد (بلینوا، ۲۰۲۰). اکثر کالاهایی که از خلیج فارس، از طریق این منطقه به اروپا روانه می‌شود از طریق دریا صورت می‌گیرد که در این میان تنگه هرمز نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. به‌طوری‌که روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کنند (استاتیستا^۲، ۲۰۲۱). که نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این تنگه است. هرمز یک تنگه بین‌المللی در داخل آب‌های سرزمینی ایران و عمان است و از این رو تنگه هرمز سبب افزایش اهمیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه و جهان شده است. با پیگیری روند عادی‌سازی از سوی اعراب با رژیم صهیونیستی اگرچه همچنان تنگه هرمز یک راه بسیار مهم دریایی خواهد بود، اما چشم‌اندازی برای مسیرهای زمینی نیز وجود خواهد داشت که اقیانوس هند و خلیج فارس را به مدیترانه شرقی و سپس به اروپا، از طریق امارات متحده عربی، عربستان و اردن و سپس رژیم صهیونیستی متصل می‌کند (بلینوا، ۲۰۲۰). افزون بر این، به سرانجام رسیدن پروژه ایلات-اشکلون که در پی انتقال نفت امارات از طریق خط لوله ایلات-اشکلون در رژیم صهیونیستی به اروپا است، به این رژیم قدرت اقتصادی و سیاسی دوگانه می‌دهد و راه را برای اتحاد دوجانبه بین امارات و رژیم صهیونیستی و حتی دیگر نشین‌های خلیج فارس با رژیم صهیونیستی را هموار می‌کند و از سوی دیگر به مانعی تبدیل می‌شود که ایران را از تسلط بر موقعیت برتر در عملیات ترانزیت یا صادرات نفت، چه از طریق پروژه‌های خود (پروژه هند-ایران) و چه از طریق تنگه هرمز، باز می‌دارد (الماشی^۳، ۲۰۲۱: ۵۵۸).

1. Meir Elran
2. Statista
3. AlMaashi



شکل ۳. عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی و تغییر ژئوپلیتیک انتقال نفت (Spencer, 2020)

۴-۵- پیامدهای اقتصادی عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات

با توجه به حضور بازرگانان و شرکت های کارآفرین بسیار ایرانی در امارات و روابط اقتصادی بالای ایران با این کشور (در سال ۲۰۱۹، ۸/۳ میلیارد دلار)، روابط نزدیک امارات با رژیم صهیونیستی می تواند از نظر اقتصادی برای تهران آسیبزا باشد. این مسئله به ویژه با توجه به جایگاه امارات به عنوان یکی از مهم ترین مبادی صادرات و واردات کالا به کشور به ویژه در شرایط تحریم می تواند چالش هایی را فراروی روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و امارات به وجود آورد. از سوی دیگر شکل گیری روابط گسترده اعراب با رژیم صهیونیستی پتانسیل اقتصادی زیادی را برای رژیم صهیونیستی، در زمینه های وسیعی از جمله تجارت، امنیت، گردشگری، مالی، ارتباطات، فناوری، بهداشت و تغییرات آب و هوایی ایجاد می کند.



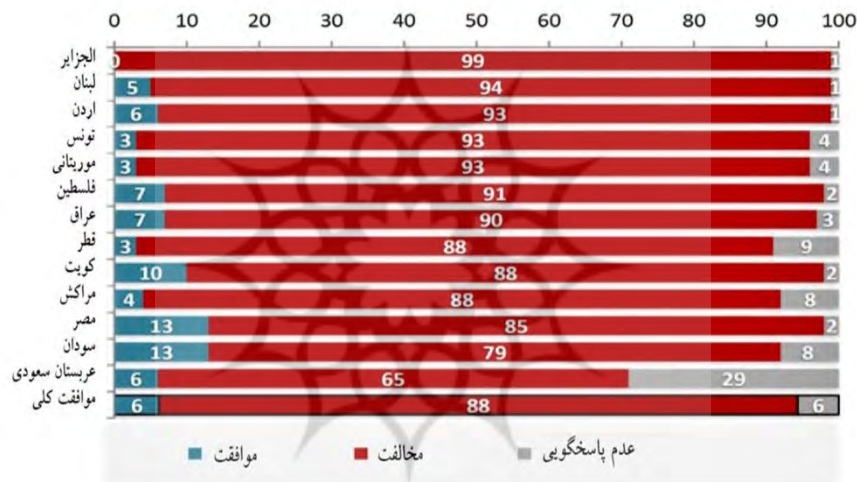
نمودار ۲. جایگاه امارات متحده عربی در روابط تجاری ایران

(O'Neill, 2021)

۵-۵- علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، گامی مخالف با افکار عمومی جهان عرب

اقدامات رهبران عرب در پیگیری سیاست عادی‌سازی و علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در مخالفت با افکار عمومی منطقه است. با وجود گذشت بیش از هفت دهه از تأسیس رژیم صهیونیستی، ملت‌های منطقه، مخالف هرگونه ارتباط با این رژیم می‌باشند. در این میان، به هر میزان که کشورهای عربی برخلاف افکار عمومی منطقه به سمت عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی حرکت کنند، به همان میزان وزن جایگاه محور عربی-عبری و از جمله امارات متحده عربی در افکار عمومی منطقه کاهش می‌یابد و مشروعیت این نوع از رهبران را در میان کشورهای منطقه کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، عدم مشروعیت سیاست‌های کشورهای عربی به طور عام و امارات به طور خاص، این کشورها را با مشکلات داخلی عدیده‌ای روبه‌رو می‌سازد و زمینه‌های تضعیف این کشورها را فراهم می‌آورد. به سخن دیگر، عادی‌سازی روابط امارات و دیگر کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، می‌تواند موجب بروز نارضایتی ملت‌های عرب در برابر دولت‌هایشان شود و نظام‌های سیاسی کشورهای عربی با مخالفت ملت‌های خودشان مواجه شوند و در مقابل تصمیم دولت‌های خود بایستند. همچنان که شاهد اعتراضات ملت‌های مسلمان در

امارات، بحرین، سودان، مراکش و ... به تصمیم دولت‌های خود در ارتباط با مسئله فلسطین بوده‌ایم (پوراسمعیلی، ۱۳۹۹). این مسئله می‌تواند به دلیل رویکرد ضد صهیونیستی محور مقاومت به رهبری ایران از طریق مدیریت دیپلماسی عمومی توسط جبهه مقاومت، فرصت مناسبی برای بسط ایده اسلام ناب باشد و قدرت نرم جمهوری اسلامی را در منطقه افزایش دهد. به سخن دیگر، عدول کشورهای عربی از آرمان فلسطین، نه تنها موجب کاهش اعتبار و مشروعیت داخلی این کشورها می‌شود، بلکه جایگاه محور مقاومت را به عنوان جدی‌ترین و اصلی‌ترین قدرت طرفدار آرمان فلسطین در منطقه غرب آسیا و کل جهان اسلام تقویت می‌کند که این امر به نوبه خود، در آینده قدرت محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، بسیار تأثیرگذار است.



نمودار ۳. موافقت یا مخالفت ملت‌های عربی در مورد شناسایی و ایجاد روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی (Arab Center For Research & Policy Studies, 2020: 55)

۵-۶- کارکرد معکوس عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی در راستای ارتقا و تحکیم محور مقاومت

علنی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی و مشخص شدن رویکرد کشورهای عربی (به‌ویژه عربستان) و غیرعربی (به‌ویژه ترکیه) نسبت به این رژیم، موجب همگرایی بیش‌ازپیش محور مقاومت می‌گردد. به سخن دیگر هر مقدار که کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در مسیر برقراری روابط و همکاری مشترک گام بردارند، چند برابر آن، جنبش‌های مقاومت فلسطینی به

تقویت رابطه و همکاری با ایران متمایل و ترغیب می‌شوند (زارعان، ۱۳۹۸: ۱۵۴). یکی از مسائل ناخوشایند برای محور مقاومت در طول دههٔ اخیر، فاصله گرفتن موقتی و گذرای حماس از این محور بود. به طوری که این گروه طی بحران سوریه، در مقابل سیاست‌های کلی محور مقاومت قرار گرفت و خواهان تغییر نظام سوریه و سقوط بشار اسد شد. اما به نظر می‌رسد با علنی شدن روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی و آشکار شدن بیش‌ازپیش خیانت رهبران عرب به آرمان فلسطین، گروه‌های مقاومت فلسطینی کاملاً اهمیت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از فلسطین را درک می‌کنند و همین مسئله عامل همگرایی گروه‌های فلسطینی با محور مقاومت به رهبری ایران می‌شود. عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، بدون مشخص شدن وضعیت فلسطینی‌ها و اعتراضات شدید محور مقاومت در این خصوص که تحقق آرمان‌های فلسطین را وظیفه خود می‌داند، می‌تواند محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران را به تنها رهبر منطقه در موضوع مسئله فلسطین تبدیل نماید و دیگر کشورها و گروه‌هایی که موافق آرمان فلسطین هستند را به این حقیقت سوق دهد که دیگر نتوانند در این موضوع به کشورهای نظیر امارات، عربستان و ترکیه اعتماد کنند که همین امر نیز در آینده می‌تواند زمینه‌های جذب دیگر گروه‌های فلسطینی و غیرفلسطینی که پایبند به آرمان فلسطین هستند را به محور مقاومت فراهم نماید و زمینه‌های متحد شدن گروه‌های ضد صهیونیستی در منطقه را ایجاد نماید و موجب بسط قدرت محور مقاومت در منطقه شود. بر این اساس، افزایش همگرایی جبههٔ مقاومت از آنجایی که جایگاه این محور را در منطقهٔ غرب آسیا تثبیت می‌کند و ظرفیت‌های این محور را برای مقابله با محور عبری- غربی فراهم می‌نماید، برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت و فرصت‌آفرین است.

۵-۷- پروژه‌های جاه‌طلبانه امارات و رقابت‌ها و اتحادهای معکوس منطقه‌ای

رهبران جوان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌ویژه امارات و عربستان، برنامه‌های جاه‌طلبانه وسیعی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این مسئله اگرچه در پرتو ایران‌هراسی موجود در منطقه، به همگرایی آنان در بحران‌هایی مانند بحران یمن، سوریه و ... منجر شده اما به رقابت پنهان و آشکاری میان آنان نیز دامن زده است. چنانچه علی‌رغم حضور آنان در ائتلاف جنگ یمن تحت رهبری عربستان، اختلافات آنان در جنوب یمن چندین بار به درگیری مسلحانه میان حزب

اصلاح (مورد حمایت عربستان) و شورای انتقالی جنوب (تحت حمایت امارات) منجر شده است. در این چارچوب، اگرچه توسعه روابط امارات و رژیم صهیونیستی، زمینه‌ای را برای عادی‌سازی روابط عربستان و سایر کشورهای منطقه با این رژیم به وجود آورده اما اهداف بلندپروازانه بن زاید برای کسب هژمونی منطقه‌ای از طریق گسترش روابط با رژیم صهیونیستی به ویژه در قالب اجرای طرح‌هایی مانند پروژه ایلات-اشکلون و کنترل بندر بربرا که نقاط ورودی مهمی برای کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های دریای سرخ می‌باشند، قطعاً راه را برای شکل‌گیری اتحاد‌های مختلف در این منطقه باز خواهد کرد، که در رأس آن‌ها ممکن است اتحاد ترکیه-قطر باشد. در این میان، مسلماً تقویت جایگاه امارات به عنوان یک کریدور ترانزیتی بین‌المللی و تلاش این کشور برای ایفای نقش محوری در انتقال انرژی و حضور مؤثر در شاخ آفریقا، با اهداف جاه‌طلبانه و هژمونیک بن سلمان نیز تعارض پیدا می‌کند؛ چنانچه در این زمینه، تمایل عربستان سعودی به ایجاد اتحاد در دریای سرخ و خلیج عدن با مصر، سودان، جیبوتی، سومالی، یمن و اردن (شورای کشورهای عربی و آفریقایی هم‌مرز با دریای سرخ و خلیج عدن) نشان‌دهنده یک رقابت اقتصاد واقعی بین عربستان سعودی، امارات و بقیه کشورهای عربی خلیج فارس در آن منطقه است. چنین امری دیدگاه‌های استراتژیک متفاوت بین عربستان سعودی و امارات را نشان می‌دهد. به طوری که علی‌رغم حضور واقعی امارات در این منطقه از طریق حضور نظامی در عصب، باب‌المنذب و سقطری و همچنین فعالیت‌های اقتصادی در بنادر بوساسو و بربرا، اما امارات متحده عربی جزئی از این شورا نمی‌باشد. به نظر می‌رسد که اخراج امارات متحده عربی از دایره این اتحاد ناشی از تضاد منافع بوده است (الماشی، ۲۰۲۱: ۵۶۷-۵۵۸). در این شرایط، با تشدید رقابت کشورهای عربی منطقه و ایجاد اتحاد‌های معکوس، فرصت مناسبی برای تنش‌زدایی و ارتقای روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و مقابله با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس به وجود می‌آید.

۸-۵- افزایش آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران

پیمان ابراهیم و حضور رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران، این امکان را به سازمان‌های اطلاعاتی ایران می‌دهد تا دسترسی آسانتری به عوامل و منابع این رژیم به منظور انجام اقدامات و عملیات‌های اطلاعاتی از قبیل عملیات‌های ویژه روانی، نفوذ و عامل‌گیری

داشته باشند و همچنین شرکت‌ها و منافع و دارایی‌های رژیم صهیونیستی را در تیررس قرار می‌دهد که چنین امری آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی را در برابر محور مقاومت افزایش می‌دهد.

۶- چشم انداز

با توجه به توسعه رو به رشد روابط امارات و رژیم صهیونیستی، احتمال منصرف شدن و نوعی بازگشت به مسیر قبلی از سوی رهبران امارات متحده عربی بسیار کم می‌باشد. همان‌گونه که گفته شد امارات بسیاری از محدودیت‌های دیگر کشورهای عربی که همانا مخالفت شدید افکار عمومی است را ندارد و با رژیم صهیونیستی نیز سابقه مبارزه رودررو نداشته است و به همین دلیل باید انتظار داشت که روابط رژیم صهیونیستی با امارات، برخلاف روابط میان اردن و مصر با رژیم صهیونیستی که در قالب «صلح سرد» ارزیابی می‌شود، در قالب «صلح گرم» در نظر گرفته شود و در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و حتی فرهنگی ادامه یابد که مروری بر روابط امارات و رژیم صهیونیستی نیز موید این موضوع است. کوتاه سخن اینکه حاکم شدن رهبران پراگماتیسم و عملگرای عرب که راهبردهای خود را بدون نگاه ایدئولوژیک در منطقه پیش می‌برند، ممکن است سرعت روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را بیش از پیش کند که این روند را می‌توان در دیگر کشورهای منطقه همچون عربستان، عمان، قطر و ... نیز شاهد بود. با این حال تداوم یا تغییر و یا تند و آهسته بودن ارتباط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، بی‌ارتباط با سیاست‌های ایالات متحده، تحولات منطقه‌ای و داخلی کشورهای عربی نخواهد بود.

۷- پیشنهادات راهبردی

بی‌شک پی‌گیری سیاست عادی‌سازی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، فضای ژئوپولیتیکی جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. در این زمینه، ایران باید سیاست‌هایی اتخاذ کند تا از این تحولات، آسیب کمتری متحمل شود و دستاورد فزون‌تری کسب نماید. در این راستا، ملاحظات و بایسته‌های راهبردی زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- جمهوری اسلامی ایران باید با انجام اقداماتی به‌طور مستقل یا با همراهی متحدان منطقه‌ای‌اش، این پیام را به کشورهای منطقه به‌طور عام و امارات به‌طور خاص منتقل نماید که خطر حضور رژیم صهیونیستی در کشورهای منطقه، بسیار بیشتر از عایدات برقراری روابط با این رژیم است و از این رو با افزایش هزینه‌های برقراری روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی،

مانع از شکل‌گیری دومینوی عادی‌سازی در کشورهای منطقه شود. همین امر را می‌توان در مورد حمله قرار گرفتن پایگاه موساد در اقلیم کردستان و حمله به ابوظبی توسط حوثی‌های یمن شاهد بود که نشان از افزایش ناامنی در مناطقی است که روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی نموده‌اند.

۲- جمهوری اسلامی ایران، باید کماکان و با هوشمندی بیشتر علاوه بر قدرت سخت، از قدرت نرم خود در جهت همسو کردن ملت‌های منطقه استفاده نماید و آن‌ها را به سمت مقابله با اقدامات ارتجاعی رهبران عرب و رژیم صهیونیستی سوق دهد و همچنین مانع از موفقیت پروژه ایران‌هراسی شود که سال‌هاست در دستور کار رژیم صهیونیستی قرار دارد. همان‌گونه که گفته شد، مردمان کشورهای منطقه مخالف برقراری روابط با رژیم صهیونیستی است و همین موضوع، پتانسیل قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید که با پیگیری دیپلماسی عمومی و جنگ شناختی و فعالیت در رسانه‌های عمومی عرب‌زبان و همچنین قرار دادن مسئله فلسطین به‌عنوان مسئله‌ای محوری در جهان اسلام، کشورهای منطقه را از درون، به سمت مخالفت با رژیم صهیونیستی بکشاند و زمینه‌های به‌بن‌بست رسیدن این روابط را فراهم نماید و مانع از عمیق‌تر شدن روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی شود.

۳- یکی دیگر از اقدامات مؤثر جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تأثیرات عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی، تلاش برای بهبود روابط خود با کشورهای منطقه به ویژه همسایگان باید باشد. توسعه روابط ایران با کشورهای منطقه و در نتیجه کاهش میزان ادراک تهدید از ایران، کارت‌های بازی رژیم صهیونیستی را در منطقه محدود می‌کند. در این زمینه، مروری بر گفت‌وگوهای سیاستمداران رژیم صهیونیستی نیز نشان می‌دهد که افزایش روابط ایران با کشورهای منطقه، کابوس راهبردی برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. از این رو جمهوری ایران در دولت سیزدهم، علاوه بر توسعه روابط خود با قدرت‌های بین‌المللی همچون چین و روسیه، باید به سیاست همسایگی و کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد تا بسیاری از اهداف شوم رژیم صهیونیستی در منزوی‌سازی ایران و تشدید پروژه ایران‌هراسی، ناکام بماند.

۸- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، با استفاده از نظریه موازنه تهدید، در پی فهم علل و اهداف علنی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی بوده تا از این طریق، پیامدهای این تحول مهم منطقه‌ای را برای

جمهوری اسلامی ایران تحلیل نماید. طبق این نظریه، تحولات رخ داده در سطح منطقه‌ای و نظام بین‌الملل، با شکل دادن به تهدیدات مشترک میان امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، زمینه‌های علنی‌سازی روابط این دو را فراهم آورده است. تحولات صورت گرفته در سطح کلان بین‌الملل، همچون سیاست برون‌سپاری مسائل غرب آسیا از سوی آمریکا و توجه بیشتر به شرق آسیا که منجر به کاهش توجه واشنگتن به این منطقه شده است، در کنار تحولات منطقه‌ای همچون بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ و افزایش قدرت محور مقاومت و رویارویی بیش‌ازپیش محور مقاومت با محور عربی-عبری-غربی، روابط اعراب به‌طور عام و امارات متحده عربی به‌طور خاص را با رژیم صهیونیستی افزایش داد. در این میان امارات که سعی کرده رویکرد کنش‌محوری نسبت به مسائل منطقه‌ای داشته باشد با علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تلاش کرده تا با استفاده از توانایی‌های رژیم صهیونیستی هم در حوزه علم و فناوری-تسلیحاتی و هم در حوزه تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا، به پیشینه‌سازی امنیت و قدرت خویش مبادرت ورزد. در این شرایط، با توجه به صلح گرم میان ابوظبی و تل‌آویو و پیشرفت‌های احتمالی رو به رشد روابط این دو با یکدیگر، احتمال اینکه برخی دیگر از کشورهای عربی و حتی عربستان سعودی نیز با تشویق و حمایت آمریکا به دنبال علنی‌سازی یا عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی برآیند، وجود دارد. در این وضعیت، اگرچه در پرتو سیاست ایران هراسی رژیم صهیونیستی، زمینه شکل‌گیری رسمی ائتلاف عربی-عبری-غربی تقویت خواهد شد؛ اما ماهیت ضد صهیونیستی ملت‌های مسلمان منطقه و تجربه ناکام دولت‌های عربی‌ای که سابقاً به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند، چالش جدی‌ای فراروی توسعه روابط این رژیم و دولت‌های منطقه خواهد بود.

با توجه به این شرایط، جمهوری اسلامی ایران ضمن حفظ روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی با امارات و تبیین اولویت سیاست همسایگی در راهبرد سیاست خارجی دولت سیزدهم، باید نسبت به تعیین خطوط قرمز حضور و فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات آشکار و پنهان رژیم صهیونیستی در این کشور اقدام کرده و تصریح نماید که با هر اقدامی که منافع و امنیت ملی ایران را به خطر اندازد، مداخلات و مسامحه نخواهد کرد. از سوی دیگر، کاربست یک دیپلماسی عمومی کارآمد و تمرکز بر ماهیت توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی و عدم پابندی آن به هیچ یک از توافق‌هایی که تاکنون با اعراب داشته‌اند نیز می‌تواند زمینه بسیج افکار عمومی منطقه علیه این توافق و یا توافق‌های احتمالی آینده را به‌وجود آورد. این مسئله با توجه به نظرسنجی‌های اخیر که حدود ۸۸ درصد از افکار

عمومی جهان عرب، رژیم صهیونیستی را به عنوان دشمن ارزیابی می کنند، می تواند به افزایش حساسیت مردم امارات و سایر کشورهای عربی نسبت به تهدیدات عادی سازی روابط اعراب به طور عام و امارات به طور خاص با رژیم صهیونیستی منجر شود که نتیجه آن نیز افزایش همگرایی در میان ملت های منطقه به ویژه در محور مقاومت در راستای حمایت از آرمان فلسطین می باشد.



فهرست منابع

- احمدی، وحیده. (۱۳۹۹). آشکارسازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی؛ پیامدها، چشم‌انداز و توصیه‌ها. **دیده‌بان امنیت ملی**، شماره ۱۰۲
- پور اسمعیلی، نجمیه. (۱۳۹۹). چشم‌انداز عادی‌سازی روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با رژیم صهیونیستی؛ زمینه‌ها و پیامدها. **موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر دهقانی فیروزآبادی**، سیدجلال. (۱۳۹۶). **اصول و مبانی روابط بین‌الملل** (۱). تهران، انتشارات سمت
- زارغان، احمد. (۱۳۹۸). تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت. **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال بیستم، شماره دوم، از ۱۳۵-۱۶۴
- صفوی، سید حمزه. (۱۳۹۹). **بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا و شمال آفریقا**. تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس؛ سلیمانی سوچلمانی، حمید. (۱۳۹۹). تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس. **نشریه آفاق امنیت - شماره ۴۹**
- فیندلی، پل. (۱۳۸۹). **فریب‌های عمدی**. ترجمه محمد حسین آهویی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- مددی، جواد. (۱۳۹۹). چارچوبی برای شناخت عادی‌سازی دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن. **نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۸۲
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۸). **تغییر جایگاه غرب آسیا در اسناد راهبردی آمریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران**. کد موضوعی ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۶۴۷۸
- نیاکوئی، سیدامیر، اسمعیلی، علی و ستوده، علی اصغر. (۱۳۹۲). تبیین راهبردهای امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳). **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره اول، ۱۱۹-۱۳۹
- یزدان‌پناه، محمد و جانفشان، سیدمهدی. (۱۳۹۲). **تغییر راهبرد نظامی - امنیتی آمریکا از منطقه‌ی خاورمیانه به پاسفیک و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران**. **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و دوم، شماره ۸۵، از ۲۵۷-۲۸۴
- المركز العربی للابحاث و دراسه السياسات. (۲۰۲۰). اتفاق "ابراهام": تطبیع علاقات أم إعلان عن تحالف قائم بین الإمارات و إسرائيل

<https://www.dohainstitute.org/ar/PoliticalStudies/Pages/The-Abraham-Agreement-Normalisation-of-Relations-or-Declaration-of-Existing-Alliance-between-Israel-and-UAE.aspx>

ابو رشید، اسامه. (۲۰۲۰). **الاتفاق الإماراتی - الإسرائيلي: خلفياته وحیثياته**

https://www.dohainstitute.org/ar/PoliticalStudies/Pages/The-Emirati-Israeli-Agreement-Background-and-Terms.aspx#_ftn8

- Ahronheim, Anna. (2019). **Israel Air Force in Greece as Part of Iniohos 2019**. Retrieved From: <https://www.jpost.com/Israel-News/Israel-Air-Force-In-Greece-As-Part-Of-Iniohos-2019-585993>
- AlMaashi, Haifa. (2021). **The Economic Implications of the Israel-UAE Normalization Agreement in the Red Sea and the Gulf of Aden and the Potential Impacts on the GCC**, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 15:4, 554-570, DOI: 10.1080/25765949.2021.2021696
- Arab Center For Research & Policy Studies (2020) **The 2019-20 Arab Opinion Index: Main Results In Brief**.
- Barkat, Amiram. (2020). **Israel To Propose Saudi - Israel Oil Pipeline**. Retrieved From: <https://en.globes.co.il/en/article-israel-to-propose-saudi-israel-oil-pipeline-1001343034>
- Bauer, Katherine. (2022). **Israel-UAE Economic Cooperation Has Deep Roots and Broad Dividends**. The Washington institute for near east policy
- Ben-Ami, Shlomo. (2020). **The Consequences of the Israel-Uae Peace Deal**. Retrieved From: <https://www.aspistrategist.org.au/the-consequences-of-the-israel-uae-peace-deal/>
- Bin Zayed Al Nahyan, Abdullah. (2020). **Peace. Shalom. Salaam**. Retrieved From: <https://www.wsj.com/articles/peace-shalom-salaam-11600127046>
- Blinova, Ekaterina. (2020). **How Abraham Accords May Redraw Mideast Map, Deprive Iran Of Its Leverage In Hormuz**. Retrieved From <https://sputniknews.com/20201017/how-abraham-accords-may-redraw-mideast-map-deprive-iran-of-its-leverage-in-hormuz-1080794523.html>
- Buzan, Barry & W'ver, Ole. (2004). **Regions and Powers: The Structure of International Security**. Cambridge University Press
- Clemente, Jude. (2019). **The U.S. Oil Boom Is Sinking Opec Imports**. Retrieved From: <https://www.forbes.com/sites/judeclemente/2019/04/03/the-u-s-oil-boom-is-sinking-opec-imports/?sh=46e944ed6a01>
- Cohen, Gili. (2017). **Israeli Air Force Holds Joint Exercise with United Arab Emirates, U.S. And Italy**. Retrieved From: <https://www.haaretz.com/Israel-News/Israeli-Air-Force-Holds-Joint-Exercise-With-United-Arab-Emirates-1.5454004>
- Cook, Steven. (2020). **what's Behind the New Israel-Uae Peace Deal?** Retrieved From: <https://www.cfr.org/in-brief/whats-behind-new-israel-uae-peace-deal>
- Even, Shmuel & Fadlon, Tomer & Guzansky, Yoel. (2020). The Economic-Strategic Dimension Of The Abraham Accords. **INSS Insight** No. 1388
- Forgues Alter, Eric Canal & Janardhan, Narayanappa. (2021): The Abraham Accords: Exploring the Scope for Plurilateral Collaboration among Asia's Strategic Partners, **Israel Journal of Foreign Affairs**, DOI: 10.1080/23739770.2021.1894792
- Gross, Judah Ari. (2022). **Israel to join massive US-led naval exercise in Red Sea for first time**. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israel-to-join-massive-us-led-naval-exercise-in-red-sea-for-first-time/>
- Guzansky, Yoel & A. Marshall, Zachary (2020): The Abraham Accords: Immediate Significance and Long-Term Implications, **Israel Journal of Foreign Affairs**, Doi: 10.1080/23739770.2020.1831861
- Guzansky, Yoel & Feuer, Sarah. (2021). **The Abraham Accords at One Year: Achievements, Challenges, And Recommendations for Israel**. Retrieved From: <https://www.inss.org.il/publication/abraham-accords-one-year-insights/>

- Guzansky, Yoel & Michael, Kobi. (2020). **The Emerging Abraham Accords: The Challenges Of Positive Change**. Retrieved From: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/emerging-abraham-accords-challenges-positive-change>
- Guzansky, Yoel. (2022). **From the Abraham Accords to the War in Yemen: The United Arab Emirates and the Iranian Threat**. Inss insight, No 1553
- Jervis, Robert. (2008). **Cooperation under the Security Dilemma**, in: Richard K. Betts, **Conflict after the Cold War, Argument on Causes of War and Peace**, New York: Columbia University, third edition.
- Katz, Y. (2018). Technology and Innovation in Israel: Advancing Competitive Position in a Global Environment. **Journal of Political Science**, 8, 536-546. <https://doi.org/10.4236/ojps.2018.84033>
- Köprülü, Nur. (2021). 25 years of Jordan-Israel peace-making: from 'warm peace' to 'cold peace'? **Middle Eastern Studies**, 57:3, 456-468, DOI: 10.1080/00263206.2021.1898381
- L. Friedman, Thomas. (2020). A Geopolitical Earthquake Just Hit the Mideast. Retrieved From: <https://www.nytimes.com/2020/08/13/opinion/israel-uae.html>
- Miller, Aaron David. (2020). **Opinion: In Trumpian Times, Israel and a Gulf State Find Common Ground**. Retrieved From: <https://edition.cnn.com/2020/08/13/opinions/uae-israel-opinion-miller/index.html>
- National Innovation Strategy**. (2021), Retrieved From: <https://u.ae/en/about-the-uae/strategies-initiatives-and-awards/federal-governments-strategies-and-plans/national-innovation-strategy>
- O'Neill Aaron. (2021), **Iran: Main import partners in 2019**, Statista, Retrieved From: <https://www.statista.com/statistics/294389/iran-main-import-partners/>
- Rahman, Omar. (2021). **The Emergence Of Gcc-Israel Relations In A Changing Middle East**. Retrieved From: <https://www.brookings.edu/research/the-emergence-of-gcc-israel-relations-in-a-changing-middle-east/>
- Rivlin, Paul. (2021). The UAE and Israel: **Developing Relations and the Challenge Ahead**. Middle East economy. Vol. 11, No. 3
- Robinson, Nicole & Feely, Eric. (2022). **Abraham Accords Pave Way for Previously Unthinkable Arab-Israeli Defense Cooperation**. Retrieved From: https://www.heritage.org/middle-east/commentary/abraham-accords-pave-way-previously-unthinkable-arab-israeli-defense?utm_source=twitter&utm_medium=social&utm_campaign=thf-tw
- Sallam, Moomen & Winter, Ofir. (2017). Egypt and Israel: Forty Years in the Desert Of Cold Peace. **Strategic Assessment**, Volume 20, No 3.
- Shepherd, Jack (2021): Exploring A Unifying Approach To Peacebuilding Through Tourism: Abraham and Israel/Palestine, **Journal Of Sustainable Tourism**, Doi: 10.1080/09669582.2021.1891240
- Spencer, Richard. (2020). **Israel and United Arab Emirates strike oil pipeline deal**. Retrieved From: <https://www.thetimes.co.uk/article/israel-and-united-arab-emirates-strike-oil-pipeline-deal-kxqfdwm3t>
- Statista. (2021). **Oil Flows Through the Strait of Hormuz between 2014 and 2020**. Retrieved From: <https://www.statista.com/statistics/277157/key-figures-for-the-strait-of-hormuz/>
- The International Institute for Strategic Studies (IISS). (2020). **Iran's Networks of Influence in the Middle East**. Published By Taylor & Francis

- Times of Israel. (2022). **Israel, neighbors weighing pact to defend against threat of suicide drones — TV**. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israel-neighbors-weighing-pact-to-defend-against-threat-of-suicide-drones-tv/>
- Toi, Staff. (2020). **Israel, UAE Agree On 28 Weekly Direct Flights between Emirates, Tel Aviv**. Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israel-uae-agree-on-28-weekly-direct-flights-between-emirates-tel-aviv/>
- Walt, Stephan. (1985). Alliance Formation and the Balance of World Power, **International Security**, Vol. 9, No. 4
- Walt, Stephan. (1987). **The Origins Of Alliances**, Ithaca, Cornell University Press
- Helfont, Samuel. (2021). The Limits Of Israeli Sea Power And The Threat Of Escalation With Iran. Retrieved From: <https://www.hoover.org/research/limits-israeli-sea-power-and-threat-escalation-iran>

